

# تجلی لوتوس در آیین و هنر ایران و هند

دکتر حسن بلخاری



خالق آن. در دیدگاه دوم، انسان اصل مفروضی دارد و آن این که عالم با تمامی جلوه‌هایش یک خالق ازلی دارد. مبنای این اصل ساده است: انسان با موجودات و مخلوقات روبه‌رو می‌شود بدون آنها را به وجود آورده باشد پس خویش، نتیجه می‌گیرد خالقی آنها را به وجود آورده است. نام این خالق در مذاهب مختلف متعدد است اما هویتی واحد دارد. انسان سنتی با خود می‌اندیشد اگر این مخلوقات و موجودات (طبیعت) بی‌واسطه توسط آن خالق خلق شده‌اند پس می‌توانند آینه‌ای برای ادراک او و اسرار عالم باشند.

این چنین است که در دیدگاه انسان سنتی، هر جزء طبیعت و نیز هر کنش آن، خود وسیله و علامتی برای فهم اسرار جهان است. در این میان، لوتوس کارکرد و نقش ویژه‌ای در مذاهب اولیه دارد و به خصوص که در هند، ایران، بین‌النهرین، مصر و یونان، این گل، نماد و مظهر تجلی است. لوتوس، علامت تجلی است و انسان سنتی این معنا را از خلق و کارکرد ویژه‌ی این گل گرفته است. این گل در آب می‌روید، با طلوع خورشید باز شده و با غروب آن بسته می‌شود. زیبایی شگفت‌انگیز، رنگ روحانی و گلبرگ‌های منظم و چندلایه‌ی آن علامت‌هایی است تا این گل را به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای اندیشه و شهود انسان سنتی قرار دهد. برای مثال آب در همه‌ی تمدن‌ها، منبع و منشأ کل عالم است. آیه‌ای در قرآن آب را بن هر موجود زنده می‌داند: و جعلنا من الماء کل شیء

سخن را با این آیه‌ی سرود شصتم ماندالای سوم ریگ‌ودا آغاز

کنم که: «تمام پنج نژاد (همه‌ی پنج نژاد آریایی)

به میترا توسل می‌جویند که در یاری نیرومند می‌باشد، چون او نگاهدارنده‌ی همه خدایان است.» این آیه به نژاد مشترک ایران و هند، اشاره می‌کند و ما این اشتراک را به صورتی بسیار گسترده در متون قدسی و اسطوره‌ای دو تمدن می‌یابیم.

اشتراک در اعتقاد به ایزدانی واحد چون «آگنی» و «آذر»، «ایندرا و تریته»، «وای و وایو»، «میترا و میتر»، «سوریا و مهر»، شراب روحانی «سوما» و «هومو» و صریح‌تر، حضور نمادین گلی چون لوتوس در آیین، هنر و معماری دو تمدن بی‌نیاز از اثبات و استدلال است. از میان این مفاهیم مشترک، لوتوس یکی از مهم‌ترین مبانی اعتقادی دو تمدن باستانی را (که «ظهور» و «تجلی» است) به خوبی نشان می‌دهد. اما برای تبیین حضور لوتوس در آیین، هنر و معماری هند و ایران در ابتدا به ذکر مقدمه‌ای پرداخته و سپس لوتوس در دو تمدن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در جهان بینی انسان سنتی دو دیدگاه نسبت به طبیعت و هستی وجود دارد: دیدگاه اول، دیدگاهی است که انسان، براساس تعالیم پیامبران و کتب مقدس، راه و روشی را برای زندگی و جهان بینی خود انتخاب و براساس آن حیات خود را جهت می‌بخشد. در این دیدگاه انسان تسلیم مفاهیم و تکالیفی است که دین برای او وضع می‌کند.

دیدگاه دوم، دیدگاهی است که انسان براساس نگاه خویش به طبیعت، آن را آینه‌ای قرار می‌دهد برای ادراک باطن و نیز پی بردن به



حال به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازم که به ویژه در ایران و هند بیانگر این نقش ظریف و زیبای لوتوس هستند.

چنان که می‌دانیم برهما به عنوان یکی از سه خدای اصلی (برهما، شیوا و ویشنو) مکتب هندو، خدایی است که براساس متون پوراناها و به ویژه ماهابهارات از یک لوتوس سربرمی‌آورد. در فصل دوازدهم ماهابهارات که یکی از مهم‌ترین منابع حکمی هندو پس از اوپانیشادها، و بزرگترین اثر باستانی جهان به شمار می‌رود، بخشی تحت عنوان «در آفرینش عالم و اجتماع عناصر و تقسیم مردم به طبقات چهارگانه» دیده می‌شود. در این بخش اولین چیزی که آفریدگار کل (آویکتا) خلق می‌کند، ماهاتاروا است یعنی ریشه و اصل عناصر. از ماهاتاروا، آهانکارا و از آن آکاسا و از آکاسا، آب به وجود آمد و از اجتماع آب و باد، آتش خلق شد و چون آب به یاری آتش به فضا رفت با کمک آتش و باد، توده‌ی سختی به نام زمین شکل گرفت و این زمین را پادما (یا لوتوس) می‌گویند.

جالب این است که در اوپانیشادکات‌ها زمین به معنای ظهور عالم است و این معنا با مفهوم عالم در تفکر ابن عربی ارتباط نزدیکی دارد زیرا در تفکر او نیز کلمه‌ی عالم به معنای علامت ظهور است.

از گل زمین که دارای هشت برگ و بیانگر هشت جهت بود شخصی پیدا شد که او را برهما می‌گویند و این برهما اصل چیزها و منشأ جمیع علوم و وداها است. در روایت دیگری در همین فصل از ماهابهارات آمده است که از ناف ویشنو، نیلوفری پیدا شد که ده طرف عالم از او روشن و از آن نیلوفر برهما به وجود آمد. (تصویر ۱) به این ترتیب در متون مقدس هندو، برهما عامل ایجاد مخلوقات این عالم است و او خود از نیلوفری سربرمی‌آورد. البته نیلوفر خاص او نیست بلکه در اسطوره‌های هندو، در مورد خدایان دیگری چون لکشمی، ویشنو، خدای خورشید (سوریا) و به ویژه آگنی نیز وجود دارد. برای مثال در تصویر شماره ۲ سوریا را

حی (و ما از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم). در هندوییزم نیز آب، عامل ظهور حیات است. این معنا چنان کلیت داشته و شامل همه‌ی مذاهب و فرهنگ‌ها می‌شود که اسطوره‌شناس بزرگی چون میرچا الیاده در کتاب رساله در تاریخ ادیان می‌گوید: «آب، رمز کل چیزهایی است که بالقوه وجود دارند و به یک عبارت سرچشمه، منشأ و زهدان همه‌ی امکانات هستی است. کاربرد ویژه‌ی آب در هر کلیت مذهبی، همواره یکی است و آن از هم پاشیدن و فسخ صور، شستن گناهان، تطهیر و در عین حال تجدید حیات است.»

فیلسوفی چون تالس، آب را بن و اصل همه اشیاء می‌داند. علاوه بر آب، گیاهان که به طور مستقیم در پیدایش و رشد با آب مرتبطند عامل مهم دیگری در به نمایش گذاشتن اعتقاد و جهان‌بینی انسان سنتی هستند. مفهوم درخت زندگی که در هندوییزم، مکتب زرتشت و دیگر ادیان یکی از ارکان جهان‌بینی انسان هستند بارزترین مثال این معنا است. اما بعد از درخت زندگی، رایج‌ترین و مشهورترین نماد، تجلی لوتوس است. سر برآوردن لوتوس از آب تنها دلیل اهمیت این گل در تمثیل ظهور و تجلی و نشانه‌ای برای ظهور حیات در عالم نیست بلکه گشوده شدن آن با نور خورشید، خورشید را نیز یکی از محوری‌ترین اجزاء خلقت و ظهور در عالم قرار می‌دهد. خورشید در مذاهب، یک کارکرد ظاهری دارد که همانا روشنایی و حرارت است و یک کارکرد باطنی و معنوی که عامل ایجاد خلقت است یعنی عامل بارورکننده‌ی عالم و به همین دلیل است که در همه‌ی مذاهب بلااستثناء خورشید را خدای پدر یا خدای مولد نیز می‌گویند. به هر حال مفاهیمی مانند نور، آب، شکفتن، زیبایی، نظم و لایه‌های گلبرگ مفاهیمی هستند که لوتوس را گلی بی‌نظیر برای بیان پیدایش عالم کرده‌اند.

\*\*\*



تصویر ۴



تصویر ۵

که خود نمونه‌ای کوچک از عالم بود (براساس اصل تناظر عالم و آدم) «خانه نیلوفری» یا دل نام گرفت.

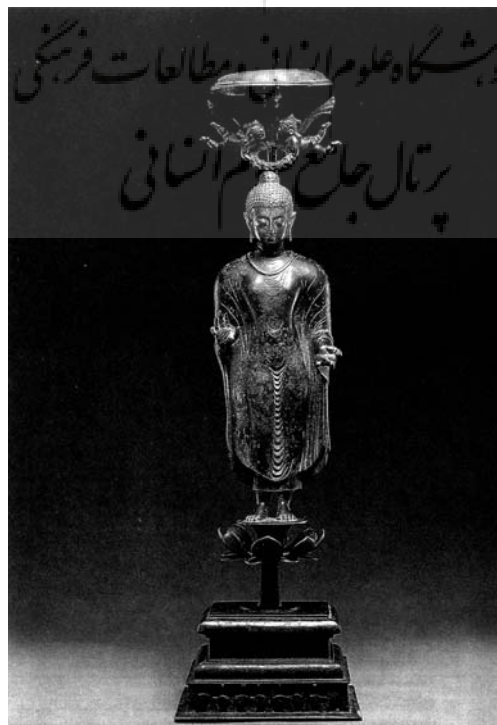
به هر حال در هندوییزم، نیلوفر به دلیل جایگاه مقدس خود در معماری و هنر هندو متجلی شد. در معماری معابد، گل لوتوس، بیانگر آگنی و سربر آوردنش از آب‌های آشفته‌ی نخستین بود و در شمایل‌ها و پیکره‌ها نیز حضور نیلوفر به مقام قدسی و جایگاه الوهی کسانی اشاره داشت که بر روی لوتوس نشسته یا ایستاده بودند. برحسب اتفاق یکی از تأثیرات عظیم مکتب هندو بر آیین بودا نیز همین نیلوفر است، چرا که براساس تعلیمی که از بودا ذکر خواهیم کرد هیچ اثر هنری (از استوپا تا ماندالا) در بودییزم وجود ندارد که خالی از نیلوفر باشد.

بودا در محیطی پرورش یافت که کاملاً اوپانیشادی بود زیرا همچنان که کسانی چون «رایس دیوید» اظهار می‌دارند «بودا هندو به دنیا آمد و هندو در گذشت» یا این قول رادکریشنان که آیین بودا را در آغاز، یک شاخه از آیین هندو می‌دانست. جمله‌ای در تعلیم بودا وجود دارد که تأثیرپذیری فوق‌العاده‌ی او را از تعلیم دوره ودایی نشان می‌دهد، وی می‌گوید:

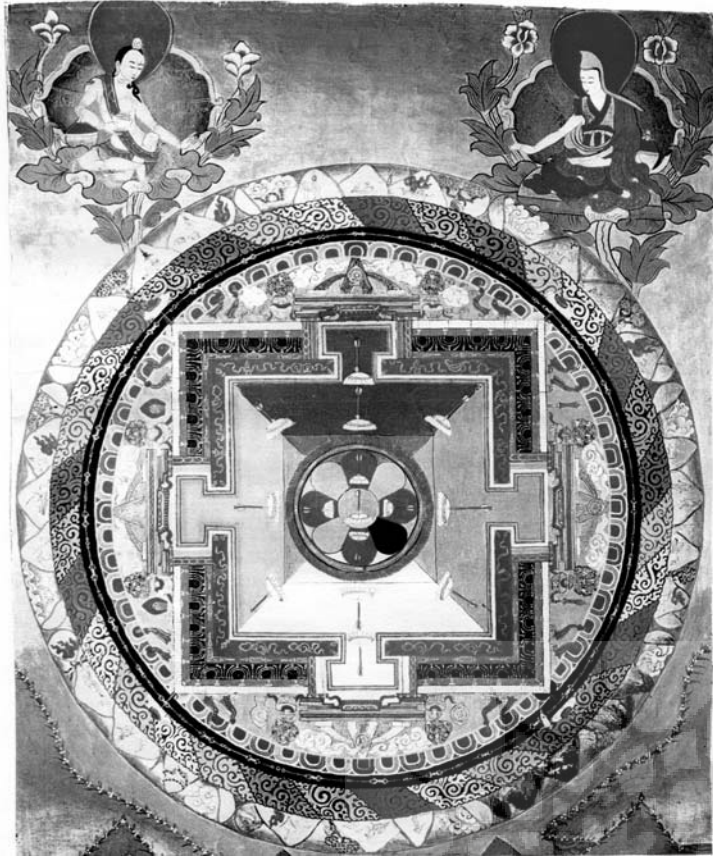
سوار بر ارابه‌ای می‌بینیم (که چرخ این ارابه به عنوان یکی از اصلی‌ترین نمادهای مکتب هندو است) در حالی که بر گل نیلوفر نشسته است. در تصویر شماره ۳ لکشمی همسر ویشنو با نیلوفر مشخص شده است و یا خود ویشنو که در هشتمین نزول خود به صورت کریشنا ظاهر شده و در یکی از تصاویر هنری هند وی با محبوبه‌اش رادا سوار بر گارودا (که در

فرهنگ اسلامی با براق همسان فرض شده است) بر روی نیلوفر نشسته‌اند (تصویر ۴) و هم‌چنین ایندرا که ایزد پهلوانی و قدرت است و در برخی شمایل‌ها چهار بازو و دست دارد که در یکی از آنها نیلوفری خودنمایی می‌کند.

کوماراسوامی در کتاب عناصر شمایل‌نگاری بودایی *Elements of Buddhist Iconography* به نقل از ریگ‌ودا ذکر می‌کند که آگنی نیز از لوتوس متولد شد (تصویر ۵) و این ارتباط قوی بین آگنی و لوتوس سبب آن شد که در مرکز قربانگاه‌هایی که به نام آگنی ساخته می‌شد، گل نیلوفری قرار دهند. این حضور نمادین و اسطوره‌ای لوتوس در اوپانیشادها که شرح حکیمانه و عمیقی بر وداهاست تقویت شد و نیلوفر که در اندیشه ودایی، گل ظهور محسوب می‌شد در کالبد انسان



تصویر ۶



تصویر ۷

«ای برهمن، اگر آن «آلودگی‌ها» از میان نرفته بودند، من یک خدا، یک گندروه، یک یکه، یا یک انسان می‌شدم - ولی آلودگی‌ها در من فرونشاند شده است، چون کنده نخلی شده که دیگر باره در آینده هستی نخواهد یافت. راست چون نیلوفری کبود، سرخ یا سفید، گرچه در آب دمیده، در آب رویده، آن گاه که روی آب می‌آید آنجا می‌ایستد، به آب نیالوده - من نیز، ای برهمن، اگرچه در جهان زاییده شدم، در جهان بالیده‌ام، به جهان چیره گشته‌ام و نیالوده به جهان می‌مانم. ای برهمن، بدان که من بودایم» این تشبیه بسیار لطیف و زیبا تأثیرپذیری بودا از تعالیم ودایی و به ویژه اوپانشادها را نشان می‌دهد. لازم است که تأکید کنیم در مواردی حضور لوتوس در بودیزم حتی از هندوییزم نیز فراتر رفته است. برای مثال از دیدگاه پیروان بودا، بار گرفتن مادر بودا همراه با رؤیت فیلی در رؤیا بود که در خرطومش نیلوفری سفید داشت و این آغاز تجلی بودا بود. هنگام به دنیا آمدنش یک نیلوفر از زمین برآمد و بودا به درون آن گام نهاد و چون دوران مراقبه را در زیر درخت بودهی پشت سر گذاشته و پس از برخاستن شروع به حرکت کرد در زیر هر گام او نیلوفری شگفت روید. در اهمیت حضور لوتوس در بودیزم کافی است به این سه نکته‌ی مهم اشاره کنیم:

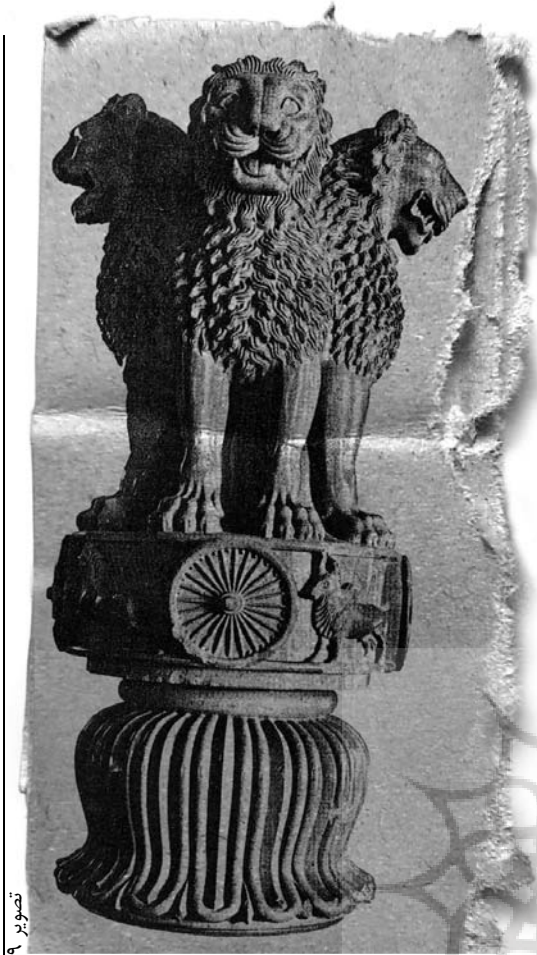
۱- یکی از القاب بودا، مانی پادما یا گوهری در نیلوفر است.

۲- برخی از تعالیم او در سوتراهایی تحت عنوان سوترای نیلوفر جمع‌آوری شده.

۳- یکی از تجلیات او ایزدی به نام «اولوکیثوره» است که به الهه‌ی

«نیلوفر به دست» مشهور می‌باشد که در هنر بودایی به ویژه شاخه‌ی چینی آن نقش بسیار روشن و گسترده‌ای دارد.

این حضور گسترده‌ی نمادی چون لوتوس در بودیزم، سبب شد در هنر و معماری بودایی، لوتوس یکی از اصلی‌ترین نمادها باشد. زیرا اگر ما نمادهای هنری بودایی را به سه بخش نمادهای شمایی، نمادهای غیرشمایی و نمادهای نیمه شمایی تقسیم کنیم، لوتوس در هر سه گروه جای دارد. در نمادهای شمایی چون شمایل‌ها و پیکره‌های بودا، همواره او را ایستاده یا نشسته بر نیلوفر می‌بینیم که به منشأ قدسی او اشاره دارد. (تصویر ۶) در نمادهای نیمه شمایی چون تخت و جای پا، باز نیلوفر حضوری بارز دارد. (تصویر ۷) و در نمادهای غیرشمایی که عبارتند از شیر و نیز چرخ دارما، نیلوفر نیز یکی از اصیل‌ترین نمادهای غیرشمایی در کنار شیر و چرخ دارما است. در ماندالاها نیز که در طریقت بودایی، بسیار مهم تلقی می‌شود، باز دایره‌ی نیلوفری به چگونگی دعا و پرستش اشاره می‌کند و مرکز ماندالا نیز به تعبیر یونگ با کاسه‌ی نیلوفر آبی تطبیق می‌کند یعنی با محل ولادت خدایان که آن را پادما می‌گویند. (تصویر ۸) محبوبیت «اولوکیثوره» در چین و تقاضا برای تصویر و پیکره‌ی او سبب پیدا شدن چاپ باسمه‌ی چوبی شد. هم‌چنین یکی از فرقه‌های بودایی چین که اساس نظریات خود را «سوتره نیلوفر» گرفته بود، بر این باور بود که «بودا شدن» در وجود همه‌ی موجودات هست و مقصد همه، بهشتی آسمانی است. به نظر می‌رسد همین بهشت پرنقش و نگار، یکی از مهم‌ترین عوامل غنای رنگ و نور در دیوارنگاری‌های خیال‌انگیز چینیان شده است.



ارتباط قوی بین آگنی و لوتوس سبب آن شد که در مرکز قربانگاه‌هایی که به نام آگنی ساخته می‌شد، گل نیلوفری قرار دهند. این حضور نمادین و اسطوره‌ای لوتوس در اوپانیشادها که شرح حکیمانه و عمیقی بر وداهاست تقویت شد و نیلوفر که در اندیشه ودایی، گل ظهور محسوب می‌شد در کالبد انسان که خود نمونه‌ای کوچک از عالم بود (براساس اصل تناظر عالم و آدم) «خانه نیلوفری» یاد نام‌گرفت

اما مهم‌ترین و مشهورترین آثار هنری بودایی را می‌توان در عصر «آشوکا» جست‌وجو کرد. یعنی در قصر پاتالی پوترا و ستون‌های سنگی‌ای که در سرتاسر هند برافراشت و نیز در استوپاهایی که ساخت. محور بحث ما سرستون کشف شده سورنات است (نماد ملی هند، تصویر ۹) که حضور لوتوس واژگون در آن بسیار روشن است و از دیدگاه بسیاری از محققان، متأثر از معماری دوره‌ی هخامنشی ایران است. به عبارت دیگر در بررسی تطبیقی آثار هنری ایران و هند دو قلمرو بسیار روشن در اشتراک هنری دو تمدن وجود دارد یکی آثاری که ایزدان دو

تمدن را ایستاده بر نیلوفر نشان می‌دهد و دیگری استفاده از لوتوس در معماری و به ویژه سرستون‌ها و زیرستون‌ها.

ابتدا تصاویری از ایران و هند در این مورد را نظاره می‌کنیم، در تصویر شماره ۱۰ الهه‌ی مهر در نقشی در بیستون ایران بر روی نیلوفر ایستاده است و کاملاً به آثار هنری بودایی و هندو شباهت دارد. در تصویر شماره ۱۱ مقایسه‌ی سرستون‌های پاتالی پوترا و تخت جمشید نشان می‌دهد که در استفاده از لوتوس واژگون با هم مشترکند، هم‌چنین اگر تصویر شماره ۱۲ را با آثار هنری هندو و بودایی مقایسه کنیم در دست یکی از شاهان ایرانی در تخت جمشید (احتمالاً خشایارشا) نیلوفری دیده می‌شود که نماد و نشانه‌ی قدسی است. از این نوع تصاویر در هنر هندو و بودایی بسیار داریم. بنابراین می‌توان

نتیجه گرفت که در ایران نیز نیلوفر باید جایگاه اسطوره‌ای و مقدسی داشته باشد. ما سعی می‌کنیم این جایگاه را بررسی کنیم. در ایران، ایزدان در دو قلمرو اسطوره‌ای و قلمرو تعالیم اوستا مورد بحث قرار می‌گیرند.

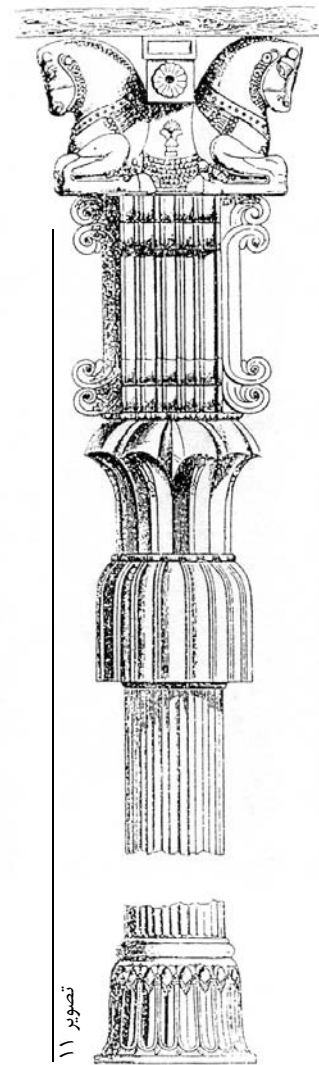
وجوه اشتراک بین ایزدان دوره‌ی اسطوره‌ای ایران با هند بسیار است اما با ظهور زرتشت و تعالیم توحیدی او، ایزدان اسطوره‌ای از مقام خدایی سقوط می‌کنند و تبدیل به فرشتگانی می‌شوند که هر کدام موکل بخش‌هایی از عالم‌اند. در این میان دو فرشته با نیلوفر پیوند دارند: یکی مهر (یا میترا) و دیگری «اردوی سورا‌آناهیتا» که به ناهید یا آناهیتا مشهور است. (ایزد آب) در دوران هخامنشی که از اواسط قرن پنجم قبل از میلاد شروع و تا حمله‌ی اسکندر به ایران ادامه دارد و نیز در حکومت‌های اشکانی و ساسانی سه ایزد در اعتقادات ایرانیان حضوری بسیار گسترده دارند: اهورامزدا، آناهیتا





و میترا که تنها آناهیتا و مهر  
با نیلوفر ارتباط دارند. در  
برخی آیات اوستا، آناهیتا  
با برآمدن خورشید، تأثیرات  
خود را در عالم آشکار  
می‌کند که خود نشانگر  
نسبت بین الهه‌ی مهر یا

نیز به نام آناهیتا در ایران  
به وجود آمد. مانند قلعه‌ی دختر  
یا پل‌های دختر و یا نیایشگاه‌هایی تحت  
عنوان پیربانو.  
الهه‌ی دیگر یعنی مهر که با عنوان میترا با میترا - ورونا‌ی ریگ ودا  
مرتبط است و به عنوان خدای روشنایی با سوریا (خدای خورشید ریگ ودا)،  
ایزد دیگری است که با نیلوفر ارتباط دارد. بنا به اسطوره‌های ایرانی،  
مادر مهر در دریاچه‌ی هامون به شنا می‌پردازد و در حین شنا، نطفه‌ی  
مقدس مهر در رحم او قرار می‌گیرد و مهر چون نیلوفری بر سطح آب  
متولد می‌شود. (تصویر ۱۵) و این تولد یکی از مشهورترین نمونه‌های  
تولد در آیین زرتشت است که در مورد خود او و سه منجی آخرالزمان این

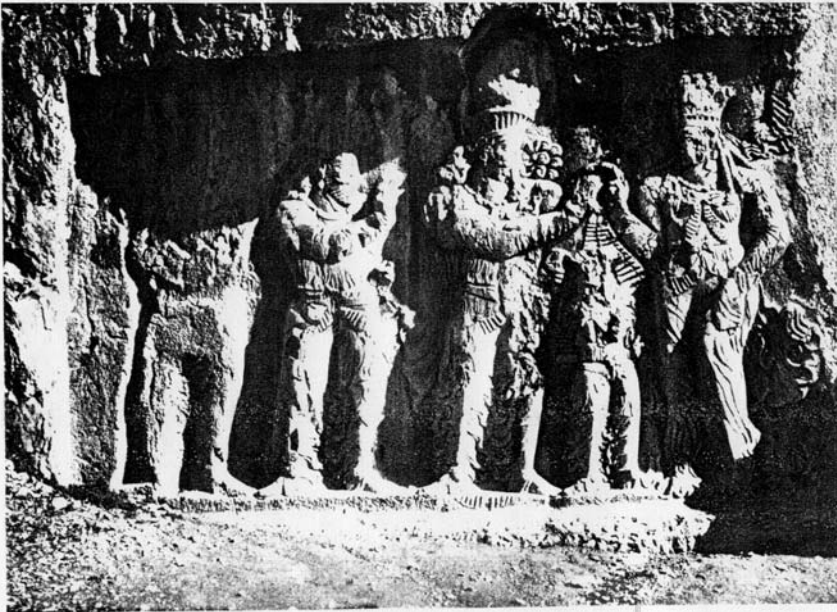


خورشید با او و نیز نیلوفر است که با طلوع خورشید باز می‌شود. در کتاب  
بندهش که یکی از متون مقدس زرتشتی برای هر ایزد یا امشاسپندی گلی  
ذکر می‌شود و گل خاص آناهیتا نیلوفر است. همین مسأله سبب شده تا  
برخی محققان، ایزدی که در تصویر ۱۰ آمده است را الهه‌ی آب یا آناهیتا  
بدانند و با دلایلی هم این معنا را تأیید می‌کنند،  
مانند تصویر شماره ۱۳ که آناهیتا را در حال دادن  
حلقه قدرت به شاه ایرانی نشان می‌دهد یا در  
برخی سرستون‌ها، تصاویری داریم که آناهیتا را  
با نیلوفر نشان می‌دهد.

حضور آناهیتا در معماری ایرانی نیز بسیار  
مهم است. آن چنان که گریشمن می‌گوید تقدم  
آناهیتا بر دو خدای دیگر (اهورا مزدا و مهر) سبب  
شد اشکانیان و ساسانیان تمامی معابد را به نام  
آناهیتا بسازند و به او تقدیم کنند و به همین دلیل  
در دوره‌ی ساسانی آثار هنری بیشتری از او در  
عطای حلقه‌ی ایزدی - نماد سلطنت - به شاهان  
وجود دارد. مهم‌ترین این معابد، معابد کنگاور و  
بیشاپور بودند. (تصویر ۱۴) معماری‌های دیگری



لوتوس که در اندیشه‌های  
اسطوره‌ای ایران، احتمالاً بنا  
به نماد تجلی بودن آن در  
هندوییزم، مقدس تصور می‌شد،  
اهمیت و مقدس بودن خود را  
در آیین زرتشت نیز حفظ کرد و  
در آثار هنری ایران نیز حضوری  
روشن یافت



تصویر ۱۳

از نقشه‌های ایرانی داشته است. معروف‌ترین و یکی از انواع نقش هراتی به ماهی درهم شهرت یافته است که البته این امر فقط بیان‌کننده‌ی رواج این نقش در هرات و در دوره‌ی تیموریان است، به ویژه آنکه طراحان مکتب هرات آن را به شکل دلخواه درآوردند. بنیاد نقشه‌های هراتی دو برگ خمیده می‌باشد که گل بزرگی مانند یک گل شاه عباسی یا گل نیلوفر را در میان گرفته است. شواهدی موجود است که آن دو برگ اساساً دو ماهی بوده‌اند که بعد تبدیل به دو برگ شده‌اند و نام ماهی درهم نیز همین نکته را تأیید می‌کند. اما برای یافتن نخستین نقش از این نوع و خاستگاه اولیه‌ی آن باید به مطالعات تاریخی اقدام نمود و در جریان تاریخ به عقب بازگشت. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که نقش

هراتی به ایران باستان و آیین مهر رهنمون می‌شود که در آن برخی از روایات و مناسک و آثار با آب ارتباط دارد. در برخی از آثار مهری نشان داده می‌شود که مهر در آب متولد شده است و مجسمه‌هایی که در این زمینه موجود است مهر را با مادرش که پیکر برهنه‌ای دارد نشان می‌دهند. مهر در آب متولد می‌شود و روی یک گل نیلوفر قرار می‌گیرد و به همین دلیل است که بعدها نیلوفر آبی در فرش ایران تبدیل به شاه عباسی شده و جایگاه خاصی را در نقش سنتی ما به ویژه نقشه‌های فرش یافته است. مهر را با ماهی از آب بیرون می‌آورد و این ماهی احتمالاً دلفین است یعنی یک

تصویر ۱۴



مذهب (هوشیدر، هوشیدرماه، سوشیانس) رخ می‌دهد. هم‌چنین در آیین زرتشت تنها گیاهی که می‌تواند خود زرتشت و فرزندانش را در دریاچه‌ی کیانسه حفظ و نگهداری کند، همان لوتوس است. بنابراین لوتوس که در اندیشه‌های اسطوره‌ای ایران، احتمالاً بنا به نماد تجلی بودن آن در هندوییزم، مقدس تصور می‌شد، اهمیت و مقدس بودن خود را در آیین زرتشت نیز حفظ کرد و در آثار هنری ایران نیز حضوری روشن یافت. نمونه‌ی بارز آن همان اثر مشهور منسوب به اوست که در نقش رستم بر روی نیلوفر ایستاده است و نیز نقش‌های نیلوفری در ظروف هنری ایرانی همچون تصاویر شماره ۱۶ و ۱۷.

اما یکی از مشهورترین کاربردهای نیلوفر در آثار هنری ایرانی، استفاده از نوعی طرح نیلوفری در فرش‌های ایرانی است که به نقوش «هراتی» یا نقوش «ماهی درهم» مشهور است. بنیاد این نقوش بر دو برگ خمیده است که گل بزرگی مانند یک گل شاه عباسی یا گل نیلوفر را در میان گرفته‌اند. محققان و اندیشمندان فرش ایران معتقدند این نقوش ریشه در ایران باستان داشته و به ویژه با اسطوره و افسانه‌های مربوط به تولد مهر در آب مرتبط است. شرحی در این مورد به نقل از یکی از این محققان ضروری است:

«براساس مطالعات انجام شده بر روی آثار موجود، این نقش از اواخر دوره‌ی تیموری و در تمام دوران صفوی مورد استفاده بافندگان قرار داشته و بعدها نیز تأثیر عمیقی بر تعدادی



تصویر ۱۷



تصویر ۱۶

ماهی بزرگ. در نقشه‌های ایرانی به ویژه در ماهی درهم‌ها نیز ماهی را به صورت بزرگ به تصویر می‌کشند که این ماهی در واقع همان دلفین است. در تعدادی از آثار مهری، مادری به همراه یک دلفین و در عده‌ای دیگر مادر و کودکی به همراه دلفین دیده می‌شود. به این ترتیب ریشه‌ی اصلی نقش‌های هراتی پیدا می‌شود.»

ماهی بزرگ. در نقشه‌های ایرانی به ویژه در ماهی درهم‌ها نیز ماهی را به صورت بزرگ به تصویر می‌کشند که این ماهی در واقع همان دلفین است. در تعدادی از آثار مهری، مادری به همراه یک دلفین و در عده‌ای دیگر

مادر و کودکی به همراه دلفین دیده می‌شود. به این ترتیب ریشه‌ی اصلی نقش‌های هراتی پیدا می‌شود.»

و نکته پایانی، تشابه و همانندی فوق‌العاده‌ی معماری تخت جمشید با معماری قصر پاتالی پوترا، (ساخته شده در دوره‌ی پادشاه بزرگ بودایی، آشوکا) است. این همانندی به ویژه در سرستون‌ها و پایه ستون‌ها، سبب شده است متفکران بزرگی چون کوماراسوامی و

اگر دو تصویر (۱۱ و ۹) را با هم مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم

که این کلام دکتر وادل (که سرستون سورنات را کشف کرد) کاملاً درست است. وی می‌گوید: «این سرستون یک پدیده‌ی کاملاً تخت‌جمشیدی (پرسپولیسی) است. این سرستون در محوطه‌ی قصر آشوکا که در پاتالی پوترا ساخته شده بود یافت شده و به احتمال قوی به دستور خود او و توسط هنرمندان پارسی ساخته شده است.» دانشمند دیگری به نام ویلر نیز این سرستون را نمونه‌ی خوبی از اقتباس و تقلید هنرمندان موریایی از

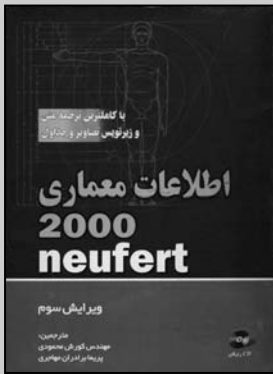


تصویر ۱۶



تصویر ۱۶





## اطلاعات معماری ۲۰۰۰

ترجمه‌ی کوروش محمودی، پریم‌برادران مهاجری

انتشارات شهرآب ۱۳۸۴

کتاب حاضر تحت عنوان اطلاعات معماری ۲۰۰۰ که یکی از مهم‌ترین منابع در زمینه‌ی معماری است با استفاده از تازه‌ترین پیشرفت‌ها در حوزه‌ی معماری ارائه شده است. آنچه کتاب در پی آن است نشان دادن روابط ابعادی در میان فضاهای متفاوت و ارائه‌ی اندازه‌های لازم در نقشه‌ها و نمودارهاست تا، طراحان بتوانند از این اندازه‌ها در طراحی‌هایشان استفاده کنند.

نیوفرت فرضیه‌ی طراحی را مبتنی بر بردن انسان ارائه و چارچوبی برای ارزیابی ابعاد ساختمان‌ها و بخش‌های تشکیل دهنده‌ی آنها تعیین کرد که نتایج به دست آمده در کتاب حاضر گنجانده شده‌اند. هم‌چنین جدیدترین راه‌های تکنیکی به طور کامل ارائه و استانداردهای اصلی و معمولی مدنظر قرار گرفته‌اند.

مؤلف تلاش کرده با توضیحاتی در حد لزوم و مختصر و تا حد امکان تکمیل آن با تصویر یا نقشه، طراحان خلاق ساختمان‌سازی را جهت به دست آوردن اطلاعات لازم برای طراحی به شکلی منسجم، خلاصه و منظم یاری دهد. مطالب مهمی در این خلاصه‌ها گنجانده شده‌اند و تنها وقتی که ذکر یک نمونه مناسب ضروری به نظر رسیده، اطلاعات اساسی و تجارب به دست آمده با ساختمان‌های تکمیل شده مقایسه شده‌اند.

دستورالعمل‌های نقشه‌کشی، اصول اندازه‌گیری، طراحی، مدیریت ساخت، عناصر ساختمانی، سیستم حرارتی و تهویه، عایق صوتی و حرارتی، حفاظت در برابر آتش و راهکارهای فرار از آن، حفاظت در برابر رعد و برق و آنتن‌ها، نور مصنوعی و طبیعی، پنجره‌ها و درب‌ها، پلکان‌ها و پله‌های متحرک و آسانسورها، مرمت و نگهداری و تغییر نوع کاربرد، جاده‌ها و خیابان‌ها، باغ‌ها، خانه‌ها و ساختمان‌های مسکونی، امکانات آموزشی و تحقیقاتی، ساختمان‌های اداری، تیمچه‌ها، خرده‌فروشی، کارگاه‌ها و ساختمان‌های صنعتی، ساختمان‌های کشاورزی، وسایل نقلیه عمومی، طراحی وسایل نقلیه، فرودگاه‌ها، رستوران‌ها، هتل‌ها و مثل‌ها، تئاترها و سینماها، ورزش و سرگرمی، ساختمان‌های بهداشتی، عبادت‌گاه‌ها مباحث کتاب حاضر را به خود اختصاص داده‌اند.



تصویر ۱۷

کارهای نخستین هخامنشیان دانسته و می‌گوید: «حتی می‌توان گفت ساخته شده به دست هنرمندان پارسی است.» علاوه بر دانشمندان فوق «مادالین هالاید» در مقاله «هنر هند و ایرانی» معماری قصر آشوکا را آشکارا متأثر از هنر هخامنشی می‌داند و به ویژه در مورد سرستون‌های نیلوفری شکل به تأثیر هنر هخامنشی اشاره کرده و می‌گوید: «این نوع گلدان سرستونی مدت‌ها در هند به کار رفت تا این که بالاخره شکل خالص هندی به خود گرفت.»

البته ذکر نکته‌ای در این جا ضرورت دارد و آن این که دانشمند بزرگی چون «کوماراسوامی» اگر چه اعتقاد دارد هنر هخامنشی بر هنر موریایی تأثیر گذاشته است اما لوتوس زنگوله‌ای را متأثر از تعالیم ودایی می‌داند نه تأثیرات هنر همسایگان هند. من نیز عقیده‌ی کوماراسوامی را تأیید می‌کنم زیرا لوتوس در آیین و هنر هند از یک تاریخ قدیمی تری نسبت به حضور لوتوس در ایران برخوردار است ضمن این که تجلی لوتوس در هنر و آیین هند قوی‌تر و بسیار روشن‌تر از هنر و آیین ایران است. اما یک امر را نباید نادیده گرفت که تأثیرپذیری معماران و هنرمندان دوره موریایی از هنر و معماری ایرانی، دستکم در فرم و ساختار غیرقابل انکار است. بنابراین می‌توان گفت، هنرمندان هندی در فرم، از آن بخش از هنر و معماری هند تقلید کرده‌اند که نسبت آشکارتر و صریح‌تری با آیین‌شان داشته است و در این میان لوتوس واژگون که در معماری تخت‌جمشید استفاده شده، روشن‌ترین مصداق بوده است.